

آن در روی دی مانند پسته بود و روی دی چون روی جوانان  
 خوب روی بود و عقل وی چنان بکمال شد که در آن قوم از روی  
 عاقلتری نبودند **از آن جهت** که درین قوم شخصی بود که در  
 بحرین با یکم خود شراب خورده بود و دیگر هم وی را نمی ساق  
 وی زده بود و از آن مانده بود آن قوم گفتند که هوای ما  
 مانا سازگار است ما شراب لای طعم میخوریم رسول الله صلی الله  
 علیه و سلم فرمود که چون یکی از شما یک کاسه شراب بخورد و دیگری آن  
 پیغمبر است شود بر خیزد و شمشیر بساق پیغمبر خود زنده چون آن  
 شخص این سخن را بشنید ساق پای خود را بپوشید **از آن جهت**  
 که درین سال نجاشی ملک حبشه در حبشه فوت یافت رسول الله صلی  
 علیه و سلم اصحاب او فرمود که به یقین بیرون آیند چون بیرون آیدند  
 فرمود که آن احکام نجاشی قدمات نیست بجز یکم روی نماز که نماند  
 و عایشه رحی الله تعالی عنها فرمود است که همیشه بزقیر نجاشی  
 نور مشایخ کرده می شده است **از آن جهت** که در میان آن  
 و قدیمی عامر مدینه آمدند و اظهار اسلام کردند و احکام دین آموختند

از درین القیس و عامر بن الطفیل در میان ایشان بودند آن قوم  
 گفتند مسلمان شو گفت من سوگند خورده ام که دست از مقاتله  
 ندارم تا همه عرب بن افند آنکستند عالی چگونه تا بیعت این جوان  
 کنم بعد از آن از پدر اکت که روی محمد را صلی الله علیه و سلم  
 بطرف خود کشید و در اعانل سازم تو بیست کار اورا بساز چون  
 پیش رسول الله صلی الله علیه و سلم آمدند عامر رسول الله صلی الله علیه و سلم  
 میگفت جزیره بر من مقرر ساز و مرا بگذار در رسول الله صلی الله علیه و سلم  
 می گفت یا ایمان یاری چاره نیست بدین سخن رسول الله صلی الله  
 علیه و سلم مستغول میساخت و به ارید می نکر نسبت و از بدیج  
 کار نمیکرد چون مجلس دراز کشید عامر بار رسول الله صلی الله علیه و سلم  
 گفت بلاد ترا از سمواره و بیاده پر سازم رسول الله صلی الله علیه و سلم  
 گفت اللهم العقی عامر احدای تعالی بروی طبعان فرستاده  
 کرد و از یاد گفته است سر بار که قصد میکردم که شمشیر بر گردنم  
 عامر میان من و محمد جامل می شد و حق سبحانه از پدر از بیعت  
 میخواست که چون هم درین سال رسول الله صلی الله علیه و سلم

از رسول الله صلی الله علیه و سلم